

مرور بر فصل ۴

بخشی از فعالیت های هر نظام که برای تولید کالاها و خدمات مورد نیاز مردم انجام می گیرد، فعالیت های اقتصادی «نامیده می شود».

۲- در هر نظام اقتصادی برای انجام فعالیت های اقتصادی، روابط معینی بین افراد به وجود می آید؛ به این روابط «روابط اقتصادی» گفته می شود.

۳- جامعه برای حفظ یکپارچگی خود، قواعدی را برای تعیین حدود منافع افراد مشخص می مالکیت «یاد می شود».

مالکیت (شکل می گیرد، نظام اقتصادی را به وجود می آورد.

۵- نظام تولیدی، نظام توزیع، نظام پولی و بانکی خرده نظام های نظام اقتصادی یک کشور را تشکیل می دهند.

مستقیم دارد. غنای محیط طبیعی یکی از عوامل رشد اقتصادی است.

صنایع کشوری شود و صنعت و فناوری باعث پیشرفت اقتصادی می شود.

۸- رشد علم به ارزش های جامعه بستگی دارد.

۹- آموزش و پرورش با آماده ساختن افراد برای زندگی اجتماعی و ایجاد صلاحیت ها و توانایی اقتصادی فراهم می کند.

مستقیم دارد. در صورتی که نیازهای افراد با سرعتی بیش از رشد اقتصاد گسترش یابد، جامعه دچار عدم تعادل و نابسامانی می شود.

۱۱- دولت با تنظیم و اجرای برنامه های اقتصادی، بر نظام اقتصادی اثر می گذارد و امور اقتصادی را هدایت می کند.

۱۲- خانواده از یک سو برای نظام اقتصادی، مصرف کنند و از سوی دیگر نیروی کار فراهم می کند.

حفظ حیات مادی جامعه را بر عهده دارد.

۱۴- اگر سرعت تأثیر صنعت بر روابط اقتصادی خیلی سریع نباشد، افرادی توانند خود را با شرایط جدید وفق دهند ولی اگر سرعت این تغییرات زیاد باشد، جامعه دچار عدم تعادل می شود.

۱۵- از پیامدهای نامطلوب نظام اقتصادی، به وجود آمدن تضاد طبقاتی و رواج پول پرستی است.

۱۶- اگر شغل فرد با علاقه و توانایی های او هماهنگ باشد، فرد موفقیت بیشتری به دست می آورد.

۱۷- برای انجام هر کار مهارت لازم است. مهارت از راه آموزش یا کسب تجربه به دست می آید.

۱۸- اگر فرد توانایی های خود را بیش از میزانی تصور کند که برای انجام کار معین یا شغل خود به آن نیاز دارد، نسبت به شغل خویش بی میل می شود.

اجتماعی شغل انتخاب کند.

۲۰- بیکاری «یکی از مسائل اقتصادی است. عدم تعادل بین نظام آموزشی و نیازهای

مشاغل، ماشینی شدن کارها، رکود اقتصادی، نبودن زیربنای اقتصادی لازم از عوامل به وجود آوردن بیکاری اند.

مردم بر فصل ۵

۱- نظام سیاسی از نقش‌هایی تشکیل شده است. این نقش‌ها برای حفظ تعادل نظام اجتماعی شکل گرفته‌اند، با هم پیوستگی متقابل دارند و می‌توانند در صورت لزوم، برای حفظ تعادل نظام اجتماعی از زور استفاده کنند.

۲- با توجه به نوع گروه، نظام‌های سیاسی متفاوتی وجود دارد.

۳- به نظامی سیاسی که در آن تمام نقش‌ها و اختیارات حول خواسته‌های یک فرد (حاکم کشور) شکل می‌گیرد و افراد بر اساس سرسپردگی به او انتخاب می‌شوند، «نظام خودکامه» گفته می‌شود.

۴- به نظامی سیاسی که در آن نقش‌ها و صلاحیت‌های اداره‌کنندگان امور کشور را قانون مشخص می‌کند، «نظام قانونی» اطلاق می‌شود.

۵- نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران نظامی قانونی است که مبنای قوانین مدون آن را قوانین الهی تشکیل می‌دهد.

۶- در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رهبر (ولی فقیه) در رأس نظام قرار دارد و مجلس خبرگان او را از بین فقهای موجود انتخاب می‌کند.

۷- رسانه‌های گروهی و احزاب و انجمن‌ها نیز جزء نظام سیاسی کشور محسوب می‌شوند. فعالیتی که به منظور دستیابی به هدف‌های سیاسی معین (داوطلب شدن، شرکت در انتخابات، شرکت در راه‌پیمایی و...) انجام می‌گیرد، «فعالیت سیاسی» گفته می‌شود.

۹- مهم‌ترین نقش فرد در نظام سیاسی قانونی انتخاب نماینده است.

فرد در انتخابات، داشتن هدف مشخص، شناسایی نامزدها و تشخیص و ارزیابی صلاحیت آنهاست.

۱۱- فرد هر قدر در فعالیت‌ها و انتخابات سیاسی خود با آگاهی بیشتری عمل کند، سلامت سیاسی در جامعه بیشتری شود.

۱۲- مشارکت فرد در فعالیت‌های سیاسی مانند انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، شوراهای اسلامی شهر و روستا و غیره باید با آگاهی همراه باشد.

۱۳- رفتار سیاسی فرد در جامعه از تربیت خانوادگی او تأثیر می‌پذیرد.

۱۴- نظام آموزشی کشور با تربیت سیاسی افراد و دادن مهارت‌های سیاسی لازم به آنها به سلامت و تحکیم نظام سیاسی کمک می‌کند و آنها را برای بر عهده گرفتن نقش‌های سیاسی آماده می‌سازد.